



بازسازی و تحلیل منابع تاریخی مفقود شیعه تا قرن پنجم

جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری

(بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی)

محمد رضا هدایت‌پناه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۴

هدایت‌پناه، محمدرضا، ۱۳۴۵ -

جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری (بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی) / محمدرضا هدایت‌پناه؛ ویراستار معصومه شجاعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.

[چهارده]، ۳۹۳ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۶؛ تاریخ اسلام: ۱۶۷)

ISBN: 978-600-298-585-9

بها: ۵۲۵۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه.

۱. جابر بن عبدالله انصاری، ۱۶ قبل از هجرت-۷۸ق. ۲. سنت نبوی. ۳. *Wonts of the Prophet. ۴. تاریخ‌نویسی اسلامی.

۵. Islam -- Historiography. ۶. تاریخ‌نویسان شیعه. ۷. Shiite historians. ۸. صحابه--سرگذشتنامه.

۹. Muhammad, Prophet, d. 632 -- Companions -- Biography. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۲۹۷/۹۴۲

BP۳۲/۵

۱۰۲۶۰۲۱۱

شماره کتابشناسی



جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری (بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی)

مؤلف: محمدرضا هدایت‌پناه

ویراستار: معصومه شجاعی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۵۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۸۵-۹

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۹۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) و تشیع تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا هدایت‌پناه و همچنین از ارزیاب محترم، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه مؤلف.....	۵

بخش اول: شناخت نامه جابر

فصل اول: زندگانی و شخصیت جابر در عصر رسالت

گفتار اول: جابر در عصر رسالت.....	۱۲
حضور در پیمان عقبه.....	۱۲
حضور در غزوات و سریه‌ها.....	۱۳

فصل دوم: مناسبات سیاسی جابر و خلفا

گفتار اول: جابر و خلفای سه‌گانه.....	۱۹
گفتار دوم: جابر و اهل بیت (علیهم‌السلام).....	۲۲
جابر و امیرالمومنین (علیه‌السلام).....	۲۲
جابر و امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام).....	۲۵
جابر و امام سجاد (علیه‌السلام) و امام باقر (علیه‌السلام).....	۲۸
گفتار سوم: جابر و خلفای اموی.....	۳۰

فصل سوم: اندیشه‌شناسی دینی و مذهبی جابر

گفتار اول: تشیع امامی جابر.....	۳۳
جابر و حدیث لوح.....	۳۴
امیرالمومنین (علیه‌السلام) و فضایل او در اندیشه اعتقادی جابر.....	۴۱
فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) در اندیشه اعتقادی جابر.....	۴۵
گفتار دوم: جابر از منظر علمای شیعه.....	۴۸

فصل چهارم: وفات جابر و شناخت فرزندان و نوادگان

۵۱	وفات جابر.....
۵۳	فرزندان و نوادگان جابر.....

بخش دوم: جایگاه علمی جابر

فصل اول: شخصیت حدیثی جابر

۶۱	آمار احادیث جابر.....
۶۲	جایگاه علمی جابر در میان تابعین.....

فصل دوم: شخصیت فقهی جابر

فصل سوم: شخصیت تفسیری جابر

۷۰	آراء تفسیری جابر.....
----	-----------------------

بخش سوم: نقش جابر در سیره‌نگاری

۷۵	مقدمه: جابر و دانش سیره نبوی.....
۷۶	گفتار اول: جایگاه جابر در تدوین سیره نبوی در مقایسه با صحابه.....
۷۸	سیره‌نویسان صحابه.....
۸۴	مقایسه جابر با سیره‌نویسان صحابه.....
۸۴	جابر و سهل بن ابی خثمه (خَيْثَمَه).....
۸۶	جابر و ابن عباس.....
۸۶	جابر و ابورافع.....
۸۸	جابر و عایشه.....
۹۲	گفتار دوم: جایگاه جابر در تدوین سیره نبوی در مقایسه با تابعین.....
۹۸	جابر و سعید بن مسیب (م ۹۴).....
۱۰۰	جابر و عروه بن زبیر (م ۹۳).....
۱۰۱	جابر و عبیدالله بن کعب بن مالک انصاری (م ۹۷).....
۱۰۱	جابر و شعبی عامر بن شراحیل (م ۱۰۳).....
۱۰۴	جابر و ابان بن عثمان بن عفان (م ۱۰۵).....
۱۰۵	جابر و قاسم بن محمد بن ابی بکر (م ۱۰۷).....
۱۰۶	جابر و وهب بن منبه (م ۱۱۰).....
۱۰۷	جابر و عاصم بن عمر بن قتاده (م ۱۲۰).....
۱۰۸	جابر و شرحبیل بن سعد مدنی (م ۱۲۳).....
۱۰۹	گفتار سوم: موضوع‌شناسی روایات جابر در سیره.....
۱۰۹	فهرست عناوین.....

۱۰۹	حوادث مکی
۱۱۰	حوادث مدنی
۱۱۱	أعلام النبوه
۱۱۱	صفات الرسول ﷺ
۱۱۲	گفتار چهارم: راویان و آمار روایات جابر در سیره

بخش چهارم: مکتب تاریخ‌نگاری جابر

۱۳۱	مقدمه: مکاتب تاریخ‌نگاری
-----	--------------------------

فصل اول: مکتب تاریخ‌نگاری عثمانی و علوی

۱۳۴	گفتار اول: مکتب تاریخ‌نگاری عثمانی و شاخصه‌های آن
۱۳۵	شاخصه اول: طرفداری از خلفای ثلاثه و افراد همسو
۱۴۰	شاخصه دوم: دشمنی با اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و در رأس آنان علی <small>علیه‌السلام</small>
۱۴۱	شاخصه سوم: دشمنی با صحابه به خصوص انصار
۱۴۳	شاخصه چهارم: سانسور سیره نبوی
۱۴۵	گفتار دوم: نمایندگان مکتب عثمانی
۱۴۵	زبیریان نمایندگان مکتب عثمانی
۱۴۷	منابع خانوادگی، منبع اصلی آل زبیر
۱۴۹	آل زبیر و گرایش تفکر عثمانی
۱۵۲	ابن شهاب زهری (۵۸-۱۲۴)
۱۵۴	گفتار سوم: مکتب تاریخ‌نگاری علوی و شاخصه‌های آن
۱۵۵	شاخصه اول: دفاع از اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و در رأس آنان علی <small>علیه‌السلام</small>
۱۵۷	شاخصه دوم: حمایت از مهاجرین و انصار پیرو اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۱۶۰	شاخصه سوم: بی‌توجهی به خلفای ثلاثه و یا بیان مطالب خاص
۱۶۲	شاخصه چهارم: دشمنی با امویان و مخالفان اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۱۶۲	گفتار چهارم: نمایندگان مکتب علوی
۱۶۳	ابن عباس
۱۶۷	خاندان ابورافع
۱۶۸	ابان بن عثمان بن احمر (زنده در سال ۱۷۰ و یا م حدود ۲۰۰)

فصل دوم: مکتب سیره‌نگاری جابر و مقایسه آن با سیره‌نگاران

۱۷۲	گفتار اول: جابر و اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در سیره نبوی
۱۷۸	روایات تأمل‌برانگیز و منسوب به جابر
۱۷۸	کشته شدن مرحب خیبری به دست محمد بن مسلمه
۱۸۰	مشاجره و خشم امیرالمؤمنین <small>علیه‌السلام</small> با حضرت فاطمه <small>علیها‌السلام</small>

گفتار دوم: جابر و صحابه (مهاجرین و انصار).....	۱۸۳
گفتار سوم: جابر و خلفا.....	۱۸۵
گفتار چهارم: جابر و امویان.....	۱۹۱

بخش پنجم: شناخت و اثبات سیره مکتوب جابر

فصل اول: قواعد تشخیص منابع مکتوب از روایات شفاهی

بیان مسئله: روش قدما در استفاده از متون و مشکل تشخیص منبع مکتوب.....	۱۹۵
گفتار اول: قواعد شناخت منابع مکتوب پنهان و تطبیق آن‌ها بر سیره جابر.....	۱۹۷
قاعده اول: شناسایی صاحبان تألیف در اسناد و هماهنگی روایات با تألیفات.....	۱۹۸
تطبیق قاعده اول بر روایات جابر (دفاتر و صحیفه جابر و بسامد آن نزد محدثان).....	۲۰۰
طرق و بسامد صحیفه جابر.....	۲۰۱
صحیفه جابر نزد تابعین.....	۲۰۲
قاعده دوم و سوم؛ شناسایی راوی مشترک؛ تکرار استاد و شاگرد (یکسان بودن چندین سند).....	۲۱۱
بلاذری: از کتاب النهروان ابومخنف:.....	۲۱۳
طبری: از کتاب مقتل الحسین ابومخنف.....	۲۱۳
تطبیق قاعده دوم و سوم بر روایات جابر.....	۲۱۴
قاعده چهارم: نقل روایت بلند و طولانی.....	۲۱۶
تطبیق قاعده چهارم بر روایات جابر.....	۲۱۶
قاعده پنجم: یکسان بودن متن روایات راویان مختلف از یک نفر.....	۲۱۷
تطبیق قاعده پنجم بر روایات جابر.....	۲۱۷
الف) نمونه روایت کوتاه.....	۲۱۷
ب) نمونه روایات بلند.....	۲۱۷
قاعده ششم: کاربرد اصطلاحات خاص نقل شفاهی و مکتوب.....	۲۱۸
تطبیق قاعده ششم بر روایات جابر.....	۲۱۸

بخش ششم: بسامد سیره جابر در منابع

فصل اول: سیره جابر در منابع شیعه

کتاب سلیم؛ سلیم بن قیس هلالی (م. قرن ۱).....	۲۲۵
بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی (م ۲۹۰).....	۲۲۵
مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) محمد بن سلیمان کوفی (م قرن ۳).....	۲۲۵
قرب الإسناد؛ عبدالله بن جعفر حمیری قمی (م ۳۰۰).....	۲۲۶
الکافی؛ محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹).....	۲۲۶
کفایة الاثر؛ علی بن محمد خزاز قمی (م قرن ۴).....	۲۲۷
المسترشد؛ ابن رستم طبری ابوجعفر محمد بن جریر آملی طبری شیعی معروف به طبری کبیر (م اوائل قرن ۴).....	۲۲۷

٢٢٧	الهداية الكبرى؛ حسين بن حمدان خصيبى (م ٣٤٦).....
٢٢٧	الغيبه؛ نعمانى محمد بن ابراهيم (م ٣٦٠).....
٢٢٨	آثار شيخ صدوق محمد بن على بن بابويه قمى (م ٣٨١).....
٢٢٨	آثار شيخ مفيد محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (م ٤١٣).....
٢٣٠	الفصول المختاره؛ سيدمرتضى علم الهدى (م ٤٣٦).....
٢٣٠	التعجب من أغلاط العامه فى مسأله الإمامه؛ ابوالفتح كراچكى محمد بن على (م ٤٤٩).....
٢٣٠	اعلام الورى باعلام الهدى؛ طبرسى، فضل بن حسن (م ٥٤٨).....
٢٣١	مكارم الاخلاق؛ طبرسى، رضى الدين حسن بن فضل (م ٥٤٨).....
٢٣١	الاحتجاج؛ طبرسى احمد بن على (م ٥٦٠).....
٢٣١	الطرائف؛ سيدابن طاووس، على بن موسى (م ٦٦٤).....
٢٣٢	اليقين؛ سيدابن طاووس، على بن موسى (م ٦٦٤).....
٢٣٢	مناقب آل ابى طالب؛ ابن شهر آشوب محمد بن على (م ٥٨٨).....
٢٣٣	عمدة عيون صحاح الاخبار فى مناقب الامام الابراز؛ ابن بطريق يحيى بن حسن (م ٦٠٠).....
٢٣٣	الروضة فى فضائل أمير المؤمنين على بن ابى طالب (عليه السلام)؛ شاذان بن جبرئيل قمى (م ٦٦٠).....
٢٣٤	العقد النضيد والدر الفريد فى فضائل أمير المؤمنين و أهل بيت النبى (صلى الله عليه وآله)؛ محمد بن حسن قمى (م قرن ٧).....

فصل دوم: سيره جابر در منابع اهل سنت

٢٣٦	صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى (م ٢٥٦).....
٢٣٨	صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى (م ٢٦١).....
٢٣٩	سنن ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن يزيد قزوینى (م ٢٧٣).....
٢٤٠	سنن ابى داود، ابوداود سليمان بن اسعث بن اسحاق سجستانى (م ٢٧٥).....
٢٤١	سنن ترمذى (الجامع الصحيح)؛ ابوعيسى محمد بن عيسى بن سوره ترمذى (م ٢٧٩).....
٢٤٢	سنن نسائى، ابوعبدالرحمن احمد بن شعيب بن على بن بحر خراسانى مشهور به نسائى (م ٣٠٣).....
٢٤٣	دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة، ابوبكر احمد بن حسين بيهقى (م ٤٥٨).....

بخش هفتم: السيره النبويه بروايه الصحابى الكبير جابر بن عبدالله الانصارى (١٣ ق. ٥-٧٨)

٢٤٧	مقدمه.....
٢٤٩	فهرست عناوين.....
٢٤٩	حوادث مكى.....
٢٤٩	حوادث مدنى.....
٢٥٠	أعلام النبوه.....
٢٥٠	صفات الرسول ﷺ.....

فصل اول: حوادث مكى

٢٥٣	الف) قبل از بعثت.....
-----	-----------------------

۲۵۳	تعداد فرزندان عبدالمطلب.....
۲۵۳	بنیان کعبه.....
۲۵۵	ذکر رعیة رسول الله ﷺ الغنم بمكة.....
۲۵۵	ذکر مبعث رسول الله ﷺ؛ و ما بعث به.....
۲۵۶	اسلام على یک روز بعد از بعثت.....
۲۵۶	فترة الوحى.....
۲۵۹	باب أول سورة نزلت من القرآن.....
۲۶۱	شکنجه والدين عمار.....
۲۶۲	خبر عتبه بن ابى لهب و هلاکت او.....
۲۶۳	معراج.....
۲۶۴	آزاد سازى بلال.....
۲۶۴	توطئه قتل پیامبر توسط عتبه بن ابى لهب و دعوت پیامبر در مکه.....
	باب عرض النبى صلى الله عليه و آله و سلم نفسه على قبائل العرب و ما لحقه من الأذى فى تبليغه رسالة ربه - عز و جل - إلى أن أكرم الله به الأنصار من أهل المدينة و ما ظهر من الآيات لله عز و جل فى إكرامه نبيه صلى الله عليه و آله و سلم بما وعده من إعزازه و إظهار دينه.....
۲۶۵	بيمان عقبه.....
	باب ذكر العقبة الثانية و ما جاء فى بيعة من حضر الموسم من الأنصار رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم على الإسلام و على أن يمنعوه مما يمنعون منه أنفسهم و أموالهم.....
۲۶۷	ذکر دعاء رسول الله. صلى الله عليه و آله و سلم. الأوس و الخزرج.....
۲۶۸	تقیاء الانصار.....

فصل دوم: حوادث مدنی

۲۷۱	حوادث مدنی.....
۲۷۱	أول خبر جاء إلى المدينة عن رسول الله ﷺ.....
۲۷۱	اخراج الرسول ﷺ اصحابه عن رقود فى المسجد الا على و حديث المنزله.....
۲۷۲	حديث سدوا الابواب.....
۲۷۲	ازدواج مبارك اميرالمؤمنين (عليه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (عليها السلام) و تكبير ملائكه و پیامبر و مسلمانان.....
۲۷۳	شاخص شناخت منافقان در مدینه.....
۲۷۳	غزوه بدر (بدر القتال).....
۲۷۴	مجاهدته على بدر و حنین در دفاع از جان رسول خدا و بشارت ملائكه.....
۲۷۴	سربيه قتل كعب بن الاشرف.....
۲۸۰	غزوه احد.....
۲۸۰	نكوهش بنى سلمه و بنى حارثه برای سستی در جنگ احد.....
۲۸۱	مواصات على بدر در احد و كلام جبرئيل.....
۲۹۰	نبش قبر شهداء احد.....

۲۹۰	غزوه حمراء الاسد.....
۲۹۲	غزوة رسول الله ﷺ حمراء الأسد.....
۲۹۲	غزوه ذات الرقاع.....
۲۹۸	صلاة الخوف.....
۲۹۹	غورث و ما هم به من قتل الرسول.....
۳۰۰	جابر و قصته هو و جمله مع الرسول.....
۳۰۲	جمل جابر در یکی از غزوات (غزوه ذات الرقاع).....
۳۰۵	عمار بن یاسر و عباد بن بشر و قیامهما على حراسة جيش الرسول و ما أصيبا به.....
۳۰۵	غزوه انمار.....
۳۰۶	غزوه مریسیع.....
۳۰۸	غزوه خندق (احزاب).....
۳۰۸	معجزة الكدية.....
۳۰۸	البركة في تمر ابنة بشير.....
۳۰۹	البركة في طعام جابر.....
۳۱۲	مبارزه اميرالمؤمنين با عمرو بن عبدود.....
۳۱۸	غزوه بنی قریظه فی سنه خمس.....
۳۱۹	غزوه بنی لحيان.....
۳۱۹	مقاله الرسول فی رجوعه.....
۳۲۰	غزوه حدیبیه.....
۳۲۲	بیعة الرضوان (مبايعة الرسول الناس على الحرب و تخلف الجد).....
۳۲۴	على امير البرره و قاتل الفجره.....
	ذكر بعثة رسول الله ﷺ الرسل يكتبه إلى الملوك يدعوهم إلى الإسلام و ما كتب به رسول الله ﷺ لناس من العرب و غيرهم.....
۳۲۵	غزوه خيبر.....
۳۲۵	نهى الرسول يوم خيبر عن أشياء.....
۳۲۸	فتح خيبر على ﷺ و كلام رسول الله ﷺ في مناقبه ﷺ.....
۳۳۰	قدوم جعفر من الحبشه.....
۳۳۰	غزوة القضيّة (عمروه القضاء).....
۳۳۰	غزوه موته.....
۳۳۱	مرگ نجاشی و نماز پیامبر برای او (سال نهم).....
۳۳۲	سريّة الخبّط أميرها ابو عبيدة.....
۳۳۴	غزوه يا فتح مکه.....
۳۳۶	فتح مکه و بالارفتن على ﷺ بر شانه‌های پیامبر برای نابودی هبل.....
۳۳۷	غزوه حنين.....
۳۳۷	لقاء هوازن و ثبات الرسول.....

۳۳۷	شماتة أبى سفيان و غيره بالمسلمين.....
۳۳۸	بلاء على و أنصارى فى هذه الحرب.....
۳۳۸	مجاهدت على در بدر و حنين در دفاع از جان رسول خدا و بشارت ملائكه.....
۳۳۹	غزوه طائف.....
۳۳۹	حديث النجوى.....
۳۴۰	حديث المناجاة.....
۳۴۱	عام الوفود.....
۳۴۲	وفد نجران و نزول آيه مباحله.....
۳۴۳	غزوه تبوك.....
۳۴۵	غزوه اكير بن عبدالملك.....
۳۴۸	مرگ عبدالله بن ابى و واكنش پیامبر ﷺ.....
۳۴۹	سريه على بن ابى طالب عليه السلام الى اليمن.....
۳۵۲	وفات ابراهيم ابن رسول الله و بكاء على الميت (در سال دهم هجرى).....
۳۵۲	حجة الوداع.....
۳۵۴	حديث الثقلين.....
۳۵۵	اعلام ولايه اميرالمؤمنين عليه السلام فى غدیرخم.....
۳۵۸	وفات پیامبر ﷺ.....
۳۶۰	توفى ﷺ شهيدا.....
۳۶۰	ذكر ما سم به رسول الله ﷺ.....
۳۶۱	ذكر من قال توفى رسول الله ﷺ فى حجر على بن أبى طالب.....
۳۶۲	كفن رسول الله ﷺ فى ثلاثة أثواب أحدها برد حبرة.....
۳۶۲	ذكر حنوط النبى ﷺ.....
۳۶۳	ذكر رش الماء على قبر رسول الله ﷺ.....
۳۶۳	توفى ﷺ و هو ابن ثلاث و ستين.....
۳۶۳	خبر خالد بن سعيد بن العاص و أبى سفيان.....
۳۶۵	اعلام النبوم.....
۳۶۹	تبرک با اضافه آب وضوى پیامبر و همان طور با على.....
۳۶۹	صفات الرسول ﷺ.....
۳۶۹	نام گذارى به نام پیامبر و منع جمع نام و كنيه.....
۳۷۰	اوصاف النبى ﷺ.....
۳۷۰	ذكر صفة أخلاق رسول الله ﷺ.....
۳۷۱	ذكر صفة كلامه ﷺ.....
۳۷۱	ذكر صفته ﷺ فى خطبته.....
۳۷۲	ذكر صفته فى مشيه ﷺ.....
۳۷۲	ذكر حجامه رسول الله ﷺ.....

۳۷۳	لباس رسول الله ﷺ
۳۷۴	النبي ﷺ يتختم بيمينه.
۳۷۴	زهد رسول الله ﷺ و نزول الطعام لفاطمه عليها السلام
۳۷۷	فهرست منابع

پیشگفتار

زمانی که طرح منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم را شروع کردم، تصور نمی‌کردم با انبوهی از دفاتر و تألیف‌های تاریخی کهن شیعه در منابع تاریخی موجود شیعه مواجه شوم. وجود روایات این دفاتر و منابع تاریخی مفقود - هرچند برخی به اندازه چند روایت بیش نبود - این تصور را به وجود آورد که چنانچه این دفاتر و منابع تاریخی مفقود شیعه با حوصله بیشتر و البته با گسترش دایره مطالعات در منابع شیعه و اهل سنت دنبال شود، خود می‌تواند موضوع تحقیق بنیادی دیگری در جهت تبیین و شناخت لایه‌های عمیق‌تر و البته پنهان میراث مکتوب کهن شیعه و در نتیجه کشف نقش شیعه در گسترش علوم، از جمله تاریخ قرار گیرد.

شاید نزدیک به دو دهه است که عالمانی به این موضوع اساسی توجه کرده‌اند. آنچه تا پیش از این محل توجه و تلاش دانشمندان شیعی بوده، شناخت و دسترسی به نسخ خطی موجود در سراسر کتابخانه‌های شخصی و دولتی دنیا بوده است. معرفی تألیف‌های علمای شیعه و نسخه‌های خطی آنان سابقه‌ای دور داشته است. از ابن ندیم، نجاشی و شیخ طوسی در قرن چهارم و پنجم به عنوان پیشکسوتان این عرصه می‌توان نام برد تا دانشمندان پرتلاش و خستگی‌ناپذیر معاصر، همچون مرحوم آقابزرگ تهرانی، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و آقا سید عبدالعزیز طباطبایی که توانستند میراث عظیم و ارزشمند علمی شیعه را شناسایی و معرفی کنند.

دوست فاضل و نسخه‌شناس، جناب آقای دکتر حسین متقی، آمار قابل توجهی را تنها در زمینه تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) برای بنده ارائه نمود که بنا بر گفته ایشان براساس فهرست‌ها و سال‌ها تحقیق و تلاش ایشان در کتابخانه‌های کشورهای مختلف دنیا، از ۲۰۰ هزار عنوان فهرست‌های نسخ خطی، نزدیک به ۷۰ هزار نسخه با موضوع اهل بیت (علیهم‌السلام) است. از این مقدار

۲ جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری (بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی)

حدود ۴۰ هزار نسخه مربوط به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۴ هزار نسخه به حضرت فاطمه (علیها السلام)، ۵۰۰ نسخه به امام حسن (علیه السلام)، بالغ بر ۱۰ هزار نسخه به امام حسین (علیه السلام)، ۳۵۰۰ نسخه به امام سجاد (علیه السلام)، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نسخه به امام باقر (علیه السلام)، حدود ۴۵۰۰ نسخه به امام صادق (علیه السلام)، حدود ۱۰۰ نسخه به امام کاظم (علیه السلام)، ۴ هزار نسخه به امام رضا (علیه السلام)، ۵۰ تا ۷۰ نسخه به امام جواد (علیه السلام)، ۱۰۰ تا ۱۵۰ نسخه به امام هادی (علیه السلام)، ۷۰ تا ۸۰ نسخه به امام عسکری (علیه السلام) و ۷۵۰۰ نسخه به امام زمان (علیه السلام) مربوط است.

با توجه به تمام حوادث و رویدادهایی که در تاریخ اتفاق افتاده و نظر به حجم بی‌شماری از میراث شیعه که در این میان از بین رفته است، این آمار از نظر کمی جای بسی شکر و سپاس دارد؛ اما هنوز حجم انبوهی از آن‌ها باقی مانده است و از سوی دیگر از نظر کیفی باید دید که چه مقدار از این نسخه‌ها مربوط به دانشمندان سده‌های نخستین است و تا چه اندازه میراث کهن را در خود حفظ و ثبت کرده‌اند. حتی اگر بخشی از این نسخه‌ها مربوط به سده‌های متأخر باشد، باز برای تصحیح و اطمینان بیشتر، به نسخه‌های قدیمی‌تر منابع کهن موجود نیازمندیم. به هر حال با توجه به اهمیت تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) و تشیع، این میراث شیعی نباید در کتابخانه‌ها خاک بخورد و دور از دسترس محققان و پژوهشگران باشد. ای‌کاش بخشی هرچند ناچیز از اموال شخصی و دولتی جهت احیا، تصحیح و انتشار این میراث ارزشمند شیعه هزینه می‌شد.

ناگفته پیداست که این حرکت عظیم نیاز به ایجاد بنیادی دارد که اندیشمندان رشته تاریخ و نسخه‌شناسان در سایه آن دورهم جمع شوند تا بتوانند این کار سترگ و البته زمان‌بر را سامان دهند و شاهد انتشار این بخش از میراث شیعی و اهل سنت درباره تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) باشیم. در کنار این امر مهم، از آنجاکه بخش زیادی از منابع تاریخی نویسندگان سده‌های نخست از بین رفته است و شاید کمتر نسخه خطی از آن‌ها باقی مانده باشد، احیای میراث مفقود تاریخی شیعه نیز کاری بس ارزشمند است که ما را با منظومه جامع تاریخ‌نگاری شیعه بهتر از گذشته آشنا خواهد کرد. دانستن فهرست نام آن‌ها در کتب تراجم و فهرست‌نویسان کهن تنها بخشی از میراث تمدنی شیعه را نشان خواهد داد؛ اما دستیابی و احیای متون مفقود با رویکردی جامع‌نگر که بتواند ابعاد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری را با روش علمی به ما نشان دهد، این توان را ایجاد خواهد کرد تا بهتر به نقش شیعه در پیشرفت علوم آگاهی بیابیم. حتی این تحقیقات می‌تواند حلقه‌های مفقود زیادی را از تاریخ شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) بر ما بازگشاید.

بنابراین بازسازی منابع تاریخی شیعه تنها به تجمیع روایات پراکنده بسنده نخواهد کرد؛ چراکه این کار، خوش‌بینانه است و حداکثر ما را به اهداف اولیه یا میانی و متوسط خواهد رساند؛ درحالی‌که با پیشرفت و سرعت علوم و برنامه‌های نرم‌افزاری انتظار می‌رود نگاه‌ها و تلاش اندیشمندان در این حوزه به مراحل بلند و عمیق‌تر این موضوع معطوف شود و آن‌ها را به دست آورند.

در مرحله نخست، قرار بر آن بود این مجموعه به سه بخش امامیه، زیدیه و اسماعیلیه تقسیم شود؛ ولی از آنجاکه منابع آماده‌شده از سه گروه مذهبی بود و توالی سالی میان نویسندگان منابع نیز موردنظر بود، تصمیم بر این شد تا در مرحله نخست، این مجموعه بدون تفکیک و با عنوان کلی «بازسازی و تحلیل منابع تاریخی مفقود شیعه تا قرن پنجم» به جامعه علمی و فرهنگی تقدیم شود.

این مجموعه حدود سی جلد خواهد بود که امکان دارد برخی از مجلدهای آن، به تناسب ظرفیت بازسازی چند کتاب از یک مورخ، به یک بسته چندجلدی سامان یابد؛ ازاین‌رو امکان افزایش تعداد مجلدها از سی جلد هم وجود دارد. علاوه بر ارائه این تحقیقات و بازسازی‌های متون تاریخی مفقود شیعه به صورت مجزا و برای هر یک از مورخان، در نظر است تا ان‌شاءالله این مجموعه به صورت موضوعی نیز تقدیم شود؛ زیرا تحقیق و تحلیل بر یک موضوع با استناد و توجه به چند مورخ که درباره آن موضوع صاحب تألیف هستند، نگاه جامع‌تری از جهت تاریخ‌نگاری و حتی تاریخ‌نگری شیعه به ما ارائه خواهد داد؛ اما مجال کوتاه و امکانات اندک است. با این حال اندکی سعی شده که در تحلیل‌ها این هدف از طریق مقایسه میان تألیف‌ها به اختصار صورت گیرد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها از جهت ساختار، محتوا، روش و منابع مشخص شود.

مطلب دیگر اینکه سعی اصلی بر احیای میراث مفقود تاریخی شیعه بود؛ ولی با نظرخواهی و صلاح‌دید برخی از اساتید و دوستان فاضل، موضوع فراتر دیده شد و قرار بر آن شد تا در امتداد این کار، منابع تاریخی شیعه که نسخه خطی دارد، ولی تاکنون چاپ نشده یا چاپ شده، ولی بسیار آشفته است و نیاز به تصحیح و تحقیق جامع‌تر و عمیق‌تر دارد نیز در دستور کار قرار گیرد. همان‌طور که اشاره شد، این مجموعه نیز چنانچه توفیق یار باشد و انتشار یابد، بخش ناچیزی از میراث مفقود تاریخی شیعه خواهد بود که امید است با همکاری و همیاری دوستان

فاضل و مسئولین فرهنگ‌دوست و عاشق اهل بیت (علیهم‌السلام) بخش‌های دیگر نیز به جامعه علمی کشور تقدیم شود و گامی ارزشمند در شناسایی میراث مکتوب غنی شیعه برداشته شود. پیشاپیش متواضعانه عرض می‌شود که آنچه ارائه شده است با تلاش و نظارت علمی برخی از اساتید، دوستان و فضیله‌های تاریخ‌پژوهش بوده و اگر قوت و نقطه مثبتی در این مجموعه هست، مرهون توجه و امعان نظر موشکافانه آنان است که جا دارد از تمامی آنان تشکر و قدردانی کنم؛ همچنین از برخی از دانشجویان و فضلا که حوصله کردند و پیوسته به دنبال خواسته‌های بنده کار پژوهش خود را با دقت و عمق بیشتری پی گرفتند و از این جهت کار آنان با تأخیر زمان بیشتری مواجه شد، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

مراتب حق‌شناسی و سپاس خالصانه خود را به استاد عزیز و فرهیخته گران‌مایه، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین استاد دکتر رسول جعفریان، تقدیم می‌دارم که این نوع پژوهش‌ها را به ما آموخت و دست ما را در مراحل مختلف پژوهش گرفت و راهنمایی کرد و دو اثر ارزشمند خود را برای بازنویسی و بازبینی مجدد به این کلان‌پروژه ارائه کرد. همچنین از استاد دکتر نعمت‌الله صفیری فروشانی که در ارزیابی این نوشتار ما را یاری دادند و با تذکرها و نکات ارزشمند خود غنای علمی به کلان‌طرح بخشیدند، صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی می‌کنم.

در پایان از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه ریاست پیشین، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای دکتر علی‌محمد حکیمیان و معاونت پیشین پژوهش، جناب آقای دکتر مجید کافی و همچنین ریاست محترم فعلی، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای دکتر محمدباقر سعیدی روشن و معاونت پژوهش، جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای دکتر سیدرضا حسینی، رئیس محترم پژوهشکده علوم اسلامی، جناب آقای دکتر محمد فتحعلیخانی، مدیر محترم گروه، جناب آقای رمضان محمدی، کارشناس گروه، جناب آقای اسماعیل یارمحمدی و مدیر محترم واحد نشر، جناب آقای عدنان اسلامی که حوصله و همکاری فراوان در به سامان رساندن این مجموعه داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

و ما توفیقی الا بالله

محمد رضا هدایت‌پناه

مجری کلان‌طرح بازسازی و تحلیل منابع مفقود شیعه تا قرن پنجم

مقدمه مؤلف

تاریخ‌نگاری مسلمانان با ثبت سیره، یعنی هر آنچه به پیامبر ﷺ مربوط بوده، به صورت حدیث آغاز شده است؛ از این رو دانش سیره و حدیث به هم گره خورده است. بدیهی است که خاستگاه این حرکت علمی، شهر مدینه بود که بسیاری از حوادث صدر اسلام را در خود جای داده و پایگاه حکومت نبوی و کانون اجتماع بسیاری از مسلمانان بوده است. از این رو آگاهی بر حوادث آن دوره برای مسلمانان اهمیت بسیاری یافت و توجه همه گروه‌ها و شخصیت‌ها را به خود جلب کرد. در این میان صحابه رسول خدا ﷺ که خود حاضر و ناظر حوادث دوران رسالت بودند، نخستین گروه و مرجعی بودند که به عنوان منبع و مأخذ دریافت آگاهی‌های مربوط به این دوره، محل توجه قرار گرفتند؛ اما بدیهی بود که همه آنان در یک رتبه نبودند و برخی از آنان در این زمینه برتری داشتند. باین حال مسائل سیاسی، اجتماعی و فکری جامعه مسلمانان نیز در امر انتقال این آگاهی‌ها به نسل بعدی مؤثر افتاد و موضوع روایتگری اخبار دوران رسالت را با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو کرد.

تعیین افرادی که به درستی در عصر صحابه بازگوکننده اخبار سیره (به صورت تدریس سیره) بودند، بسی مشکل است؛ اما با رصد کردن روایات سیره‌نویسان بعدی و تعیین راوی اصلی می‌توان حدس زد که چه افرادی از طبقه صحابه و پس از آنان، یعنی تابعین به این امر مهم توجه و اشتغال بیشتری داشته‌اند.

این موضوع بستگی دارد که متخصص سیره را چه بدانیم و در چه مقیاسی آن را تعریف کنیم. آیا منظور از این اصطلاح کسی است که چند روایاتی در این حوزه دارد یا موضوع باید فراتر از نقل چند روایت باشد و نه تنها باید اشتغال کامل به آن داشته باشد، بلکه کرسی تدریس سیره نیز داشته و حتی سیره‌نویس هم باشد؟

اگر راوی سیره منظور باشد، ممکن است هرکسی به‌صرف نقل دو یا سه روایت، سیره‌گو تلقی شود؛ اما به‌یقین چنین افرادی مصداق تعریف عرفی و اصطلاحی سیره‌گو و به‌طریق‌اولی سیره‌نویس قرار نمی‌گیرند. اگر اشتغال به بیان سیره نبوی و سیره‌نویسی منظور باشد، در بعد تاریخ شفاهی باید کسی باشد که به نقل این بخش از روایات اشتغال داشته و در این زمینه از آن مقدار شهرت برخوردار باشد که توجه نسل بعدی را برای اخذ روایات سیره جلب کرده باشد. این امر از تعداد روایات منقول اشخاص در کتب سیره و یا تصریح مورخان به این امر مشخص است.

در بُعد تدوین و سیره‌نویسی نیز حداقل آن - صرف نظر از بقا و یا فنای آثار - کسانی را شامل می‌شود که گزارش‌های درخور توجهی از حوادث صدر اسلام، اعم از مکی و یا مدنی نوشته باشند و منبع سیره‌نویسان بعدی قرار گرفته باشد. بدیهی است باید توجه داشت که دوره های هر دانشی را با توجه به سیر تکوین و تطور آن نمی‌توان یکسان مقایسه کرد.

براین اساس آیا آن‌گونه که در کتب تراجم و فهرست، عروة بن زبیر و یا موسی بن عقبه و برخی افراد دیگر را در عرصه دانش سیره نبوی به‌عنوان «پیشگام» این دانش معرفی کرده‌اند، به‌حقیقت نیز چنین است و آیا بررسی‌ها و گزارش‌های متون سیره نبوی چنین مطلبی را نشان می‌دهد؟ توجه داشته باشیم که بحث بر سر نادیده انگاشتن تلاش کسانی نیست که در دوره‌های بعد در دانش سیره نبوی با هر انگیزه‌ای گام‌های بلند و مؤثری برداشته‌اند، بلکه بحث بر سر تغافل و نادیده انگاشتن زحمات پیشینیان و کسانی است که حتی فضای سیاسی و اجتماعی مناسبی در اختیار آنان نبود تا آن‌گونه که سزاوار بود، دانش خود را به نسل‌های بعدی انتقال دهند.

این نوشتار در پی تبیین و نشان دادن تلاش گسترده صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ، جابر بن عبدالله انصاری، یکی از دانشمندان صحابه در عرصه دانش سیره نبوی است. تلاش بر آن بوده تا پس از معرفی شخصیت جابر به نقش و جایگاه وی در دانش سیره نبوی و مقایسه او با سیره‌نگاران تا نیمه قرن دوم پرداخته و جایگاه ممتاز او در این عرصه تبیین شود. مکتب تاریخ‌نگاری جابر و نیز دلایل مکتوب بودن روایات او در سیره نبوی و نهایتاً بازسازی صحیفه جابر در سیره نبوی، مباحث مهم دیگر این نوشتار خواهد بود. این پژوهش با توجه به مدارک و شواهد و به کمک اصول و قواعدی دیگر با چنین فرضیه‌ای به موضوع پرداخته است که در میان

طبقه صحابه، جابر بن عبدالله انصاری در حوزه ثبت سیره و گسترش آن در میان مسلمانان جایگاه نخستین را داراست. روایتگری او در بخش سیره نبوی، روایتگری یک راوی محض نیست، بلکه از جایگاه یک نویسنده و متخصص روایت کرده است که صاحب اثر نیز بوده است. اصول کار را می‌داند و به مسند و مرسل بودن حدیث، واقف و آشناست. بنیان‌گذار مبحث «الرحلة الی طلب الحدیث» است تا روایت را از مرسل بودن به مسند بودن ارتقا دهد. با توجه به اندیشه‌شناسی جابر بن عبدالله انصاری بر این باوریم که او را نه تنها باید از سیره‌نگاران کهن برشمرد، بلکه باید او را پیشگام در سیره‌نگاری جهان اسلام دانست؛ ولی متأسفانه از این نظر درباره او غفلت شده است. به‌طورکلی در عرصه پژوهش‌های مربوط به سیره و مغازی‌نگاری با دوگونه پژوهش روبه‌رو هستیم: گونه نخست تألیفاتی است که به ماهیت و جریان سیره‌نگاری در اسلام پرداخته و دانش «سیره» را موضوع مطالعات خود قرار داده‌اند؛ مثلاً جعفریان به عوامل تحریف در سیره‌نگاری توجه کرده است. مطالعات سیره‌پژوهی اثر از دیگر تألیفات در این زمینه است که با چنین نگرشی به سیره پرداخته است. سیره‌پژوهی در غرب تألیف مرتضی کریمی‌نیا مشتمل بر مقالاتی است که از سوی شرق‌شناسان به گرایش‌ها، روش‌ها و مطالعات در سیره توجه نموده است.

گونه دوم به جریان سیره‌نگاری در اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت پرداخته‌اند. هرکدام نیز ممکن است به گونه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شود که فعلاً از حوصله بحث ما خارج است. بخشی از پژوهش‌ها در خصوص سیره‌نگاری به نویسندگان و تلاش علمی شیعیان اختصاص یافته است. این موضوع صرف‌نظر از نگارش عمومی و تک‌نگاشته‌هایی است که به نوعی با سیره نبوی ارتباط برقرار می‌کند. معرفی این آثار و تلاش شیعیان در بخش سیره نبوی که فهرست‌نگاران کهن شیعه آن‌ها را معرفی کرده‌اند. در اینجا تنها مهم‌ترین بحث در ارتباط با موضوع کلی این نوشتار بازسازی سیره‌نگاری‌های کهن و مفقودی است که در میان شیعه بوده است. از آنجاکه هر دو بحث مذکور در یکی از همین مجموعه بازسازی‌ها با عنوان «مباحث نظری بازسازی منابع تاریخ مفقود شیعه» آمده و با بیان توضیحات لازم به معرفی آن‌ها پرداخته شده است، نیاز به تکرار مطالب نیست و تنها در اینجا به این نکته اساسی اشاره می‌شود که موضوع بازسازی علمی و روشمند منابع تاریخی مفقود شیعه، به‌خصوص در سیره نبوی هنوز جدی گرفته نشده است و در دستور کار پژوهشگران حوزه تاریخ اسلام قرار ندارد. همان‌طور که

۸ جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری (بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی)

اشاره شد، شاید تنها اثر بازسازی‌شده از منابع مفقود شیعه در بخش سیره‌نگاری، کتاب ابان بن عثمان بن احمر بجلی (م ۱۷۲) با عنوان المبتدأ و المبعث و المغازی و السقیه و الرده است که استاد جعفریان انجام داده است و کتاب دیگری در این بخش بازسازی نشده است.

در خصوص جابر بن عبدالله انصاری تنها کار انجام‌شده، پژوهش جناب حجت‌الاسلام‌والمسئولین حسین واثقی بوده که براساس الفضل لمن تقدم، این پژوهش بسیار ارزشمند و ستودنی است. ایشان در این کتاب ضمن بیان شرح حالی از جابر، بخشی از روایات جابر را در سیره نبوی جمع‌آوری کرده است. این نوع کارها در زمانه خود، به‌خصوص درباره شخصیت جابر که وجهه علمی او، به‌ویژه در سیره نبوی چندان شناخته‌شده نبود، پژوهشی نو به شمار می‌رفت و در زمانه خودش با اندکی تسامح و نگاه موسع می‌توان گفت که از نوع کارهای بازسازی منابع مفقود بوده است؛ اما با پژوهش‌های نزدیک به دو دهه اخیر در باب بازیابی و بازسازی منابع مفقود، به‌یقین نمی‌توان در همین حد متوقف ماند. از همین رو با توجه به این پژوهش‌ها و نیز پژوهش‌هایی که در حدود یک دهه انجام داده بودیم و نیز بازسازی‌های صورت‌گرفته و مقالات و آثار نوشته‌شده در این زمینه و تجربه و راهنمایی‌های اساتید، بر آن شدیم تا موضوع بازسازی منابع تاریخی مفقود شیعه را با تلاشی نو و روشمند انجام دهیم. با این نگاه موضوع جابر بن عبدالله انصاری و بازسازی بخشی از صحیفه جابر که مربوط به روایات سیره نبوی است، بار دیگر محل توجه قرار گرفت. امید می‌رود این پژوهش بتواند با چنین نگاهی در مسیر جامع منظومه شناخت نقش شیعه در سیره‌نگاری سودمند باشد. لازم می‌دانم از استاد معظم و فرهیخته گران‌مایه، جناب حجت‌الاسلام‌والمسئولین دکتر رسول جعفریان که این اثر را ارزیابی کردند و چون سی سال گذشته دست شاگرد خود را گرفتند و با تذکرات و راهنمایی‌های بسیار سودمند خود باز به ما آموختند و یاد دادند، صمیمانه تشکر نمایم.

و ما توفیقی الا بالله
محمد رضا هدایت‌پناه
بهمن ۱۴۰۳ ش

بخش اول

شناخت نامه جابر

فصل اول

زندگانی و شخصیت جابر در عصر رسالت

نسب وی براساس منابع زیاد چنین است: ابوعبدالله جابر بن عبدالله بن عمرو بن ^۱حَرام^۲ بن ثعلبه بن حرام بن کعب بن غنم بن سلمه از تیره بنوسلمه از قبیله خزرج.^۳ کنیه ابوعبدالرحمن نیز نقل غیر مشهوری است. زرکلی^۴ تولد او را سال ۱۶ قبل از هجرت نوشته است. مؤید او اینکه ذهبی سن او را در زمان بدر ۱۸ سال دانسته است؛^۵ اما همان طور که خواهد آمد، به دلیل اختلاف در سن و سال وفات او و شواهد دیگر به نظر می رسد این تاریخ ها دقیق نباشد. مادرش انیسه^۶ یا نسیبه بنت عُبَیة^۷ [عنمه یا غنمه]^۸ بن عدی بن سنان بن نابی بن زید بن حرام بن کعب بن غنم است.^۹ براین اساس کسانی که براء بن معرور را دایی جابر تصور کرده اند،^{۱۰} در اشتباهند، بلکه دایی های جابر، ثعلبه و عمرو فرزندان عقبه (عنمه) بن عدی

-
۱. و یا ... حرام بن عمرو بن سواد بن سلمه ... ر.ک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۱۹.
 ۲. یا حَرام. در توضیح مطلب ر.ک: عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۱۸۲.
 ۳. بغوی، معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۳۸؛ مقدمی بصری، تاریخ و اسماء المحدثین و کناهم، ص ۱۶۴؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۹۲.
 ۴. زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۱۰۴.
 ۵. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۱.
 ۶. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۲.
 ۷. ر.ک: ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۰۷؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ابن حزم، جوامع السیرة، ص ۸۳، ۱۹۷.
 ۸. ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۶۳ و ۶۹۹ و ج ۲، ص ۲۵۲؛ واقدی، المغازی، ص ۱۷۰، ۴۹۵، ۴۹۶.
 ۹. خلیفة بن خیاط، الطبقات، ص ۱۷۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۰۷.
 ۱۰. بغوی، معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۳۹؛ ابونعیم، معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۴۳۸.

۱۲ جابر بن عبدالله انصاری؛ پیشگام در سیره‌نگاری (بازسازی صحیفه جابر در بخش سیره نبوی)

هستند.^۱ البته همه این‌ها از طایفه بنوسلمه از خزرچ‌اند. عمه او، فاطمه بنت عمرو بن حرام است.^۲ همسر جابر نیز زنی به نام سهیمه بود.^۳

گفتار اول: جابر در عصر رسالت

حضور در پیمان عقبه

پیامبر ﷺ در روایتی که جابر راوی آن است، پس از دعای خیر به انصار، به‌خصوص از پدر جابر و سعد بن عباده نام بردند.^۴ او از جمله هفتاد نفری است که به همراه پدرش در پیمان عقبه دوم^۵ و یا هر دو عقبه^۶ شرکت داشت و کوچک‌ترین آنان بود؛ به طوری که نمی‌توانست سنگی پرتاب کند^۷ و یا اینکه دایی او، یعنی جدّ بن قیس وی را بر دوش داشت؛^۸ اما آن‌گونه که از وی نقل شده، جابر به همراه دو دایی خود، یعنی ثعلبه و عمرو در عقبه حضور داشته است.^۹ ابن عساکر^{۱۰} گزارش پیمان عقبه دوم را مشهور و شناخته‌شده نزد محدثان دانسته است. کشی^{۱۱} و عیاشی^{۱۲} به روایت از امام صادق (علیه السلام) و نیز ابن عبدالبر^{۱۳} حضور او را در پیمان عقبه اول به همراه دوازده تن رد کرده‌اند؛ حتی برشمردن او از نقبای دوازده‌گانه در عقبه دوم^{۱۴}

-
۱. سبکی، الطبقات الشافعیة الكبرى، ج ۱۰، ص ۱۱۹. گویا این سخن اشتباه را عمرو بن عیینه در تفسیر سخن جابر که گفته است «به همراه دو دایی خود در عقبه بودم»، گفته است. ر.ک: همانجا.
 ۲. ابن الامین، الاستدراک علی الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۶۴.
 ۳. ابن حبیب، المحجر، ص ۴۱۳. شکل‌های دیگر این نام ر.ک: مزی، تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۴۴۸.
 ۴. ابن ابی عاصم، الأحاد و المثانی، ج ۳، ص ۳۵۴.
 ۵. ابن قتیبه، الامامة و السياسة، ص ۳۰۷؛ ابونعیم، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۲۹؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۹۳.
 ۶. ابن حبان، مشاهیر علماء الامصار، ص ۳۰.
 ۷. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۸۲؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۳۷۸.
 ۸. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۹.
 ۹. سبکی، الطبقات الشافعیة الكبرى، ج ۱۰، ص ۱۱۹. گویا این سخن اشتباه را عمرو بن عیینه در تفسیر سخن جابر که گفته است «به همراه دو دایی خود در عقبه بودم»، گفته است. ر.ک: همانجا.
 ۱۰. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۳.
 ۱۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۵.
 ۱۲. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۵۱۴.
 ۱۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۹۳.
 ۱۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۱.

اشتباه است، بلکه این پدر او بود که انتخاب شد و جابر این انتخاب را به امر جبرئیل روایت کرده است.^۱ ابن اثیر^۲ این اشتباه را ناشی از توهم ابن منده و تشابه اسمی فرد مورد بحث با جابر بن عبدالله بن رثاب سلمی دانسته است.^۳

حضور در غزوات و سربیه‌ها

جابر به دلیل اینکه پدرش او را برای سرپرستی بر نه خواهرش گماشت، نتوانست در بدر و احد شرکت کند. جابر گوید: رسول خدا ﷺ در بیست و هفت یا بیست و یک غزوه حضور داشت که از این تعداد من در شانزده یا نوزده یا هیجده غزوه شرکت داشتم و در بدر و احد شرکت نداشتم. وقتی پدرم در احد شهید شد، نخستین غزوه‌ای که شرکت کردم، حمراء الاسد بود.^۴ ابن عساکر^۵ تنها غزوه بدر را تخصیص زده، ولی در ادامه عدم حضور او در احد را نیز نقل کرده است. این در حالی است که در روایت دیگری از جابر، وی در بدر به آبرسانی اصحاب مشغول بوده است.^۶ ابن کلبی،^۷ موسی بن عقبه،^۸ ابن حبان،^۹ ابن منده،^{۱۰} طوسی^{۱۱} و ظاهر کلام صفدی^{۱۲} به حضور او در بدر تصریح دارد. ابن کثیر^{۱۳} نیز این روایت را مطابق شروط

۱. ابن ابی عاصم، الآحاد و المثانی، ج ۳، ص ۳۹۷.

۲. ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۹۳.

۳. ر.ک: هدایت‌پناه، «مدخل جابر بن عبدالله بن رثاب»، دانشنامه سیره نبوی، ج ۲، ص ۳۴۷ و نیز ر.ک: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۵۲۳.

۴. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۴۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۱، ص ۵۴۶.

۵. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۰۸ و ۲۱۱.

۶. بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۲ ص ۲۰۷؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳ ص ۵۶۵؛ ابونعیم، معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۵۳۰؛ بغوی، معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۴۰.

۷. ابن کلبی، هشام، نسب معد و الیمن الکبیر، ج ۲، ص ۹۷-۹۸.

۸. ابن ابی عاصم، الآحاد و المثانی، ج ۴، ص ۶۹.

۹. ابن حبان، مشاهیر علماء الامصار، ص ۳۰.

۱۰. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۴.

۱۱. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۱؛ طوسی، الامالی، ص ۵۰.

۱۲. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۱، ص ۲۸.

۱۳. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۳۸۵.

پذیرش حدیث نزد مسلم دانسته است؛ اما ابن‌سعد^۱ به نقل از واقدی، چنین مطلبی را توهمی از سوی راویان عراقی، چون اعمش می‌داند. ابن‌قتیبه^۲ ضمن تأیید نظر واقدی، این مطلب را به دلیل مخالفت با اجماع سیره‌نویسان، خطا دانسته است. پذیرش بیان واقدی و اجماع مدعی ابن‌قتیبه با توجه به مطالب پیشین تأمل‌برانگیز است؛ به خصوص که جابر را در شمار اصحاب بدری شرکت‌کننده در جنگ صفین نام برده‌اند.^۳ ابن‌کلبی^۴ و بغوی^۵ نیز به شرکت او در احد تصریح کرده‌اند؛ هرچند این نقل مخالف گزارش غزوه حمراء الاسد است.^۶

جابر شاهد مراسم دفن پدر خود بود و گوید: پارچه را از صورت او کنار زدم و گریستم. عمه‌ام، فاطمه بنت عمرو بن حرام نیز گریه می‌کرد. اصحاب پیامبر ﷺ مرا از گریه نهی کردند؛ اما رسول خدا ﷺ نهی نمی‌کرد^۷ و فرمود: گریه کنید و یا نکنید فرشتگان بال‌های خود را بر او گسترانده‌اند.^۸ چهل و شش سال بعد وقتی معاویه خواست قناتی در احد احداث کند بر اثر حفاری، برخی از اجساد شهدای احد از جمله پدر جابر ظاهر گشت که همانند روز نخست بود. وی خواست مقداری مُشک و مواد خوشبو بر بدن پدر بریزد، اما اصحاب پیامبر ﷺ او را منع کردند.^۹

پدرش به مرد یهودی به نام ابوشحم بدهکار بود و چون بدهی او سنگین بود، جابر از رسول خدا ﷺ خواست وساطت کند تا اندکی از آن را ببخشند؛ اما طلبکار به پیشنهادهای پیامبر ﷺ پاسخ منفی داد. آن حضرت با دعایی که خواندند چنان برکتی در محصول جابر افتاد که تمام بدهی پدرش را پرداخت کرد و باز محصول او بر جای مانده بود.^{۱۰} او پس از شهادت پدرش سرپرستی خواهران خود را بر عهده داشت و بدین جهت مورد توجه و محبت پیامبر ﷺ بود.^{۱۱}

۱. ر. ک: ابونعیم، معرفة الصحابة، ج ۱۲، ص ۵۳۰؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۶۵.
۲. ابن‌قتیبه دینوری، الامامة و السياسة، ص ۳۰۷ و نیز ر. ک: ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۳۷۹.
۳. ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۹۳؛ امینی، الغدير، ج ۹، ص ۳۶۳.
۴. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۴۹۳.
۵. بغوی، معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۳۹.
۶. ر. ک: ادامه نوشتار.
۷. بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۷۱.
۸. ابن‌الامین، الاستدارک علی الاستیعاب، ج ۲، ص ۳۶۴.
۹. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۶۷ و نیز ر. ک: ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۵۷۰.
۱۰. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۰۱؛ ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۴۳۶.
۱۱. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۴.

وی با زنی ثیب (بیوه) ازدواج کرد. رسول خدا ﷺ به او فرمود: چرا با دوشیزه ازدواج نکردی تا یکدیگر را شاد کنید؟ فرمود: پدرم که شهید شد، نه دختر باقی گذاشت. خواستم با زنی که سرد و گرم روزگار را چشیده است، ازدواج کنم تا من و خواهرانم را سرپرستی کند. پیامبر ﷺ نظر او را تأیید کرد.^۱

در غزوه حمراء الاسد که تنها به شرکت کنندگان در احد اجازه حضور داده شد، جابر ضمن توجیه عدم حضور خود در احد تنها کسی بود که پیامبر ﷺ به او اجازه شرکت داد.^۲ واقدی،^۳ ابونعیم^۴ و مفید^۵ گفتگوها و حوادثی را که میان رسول خدا ﷺ و جابر در غزوه ذات الرقاق اتفاق افتاده است، به نقل از خود جابر آورده‌اند. در بازگشت از غزوه مُریسِیع جابر به وزیدن طوفان شدیدی که موجب وحشت اصحاب شد، اشاره کرد که پیامبر ﷺ علت آن را مرگ زید بن رفاعه بن تابوت، از سران منافقان مدینه، عنوان کرد.^۶ رسول خدا ﷺ در یکی از شب‌ها که در مسافرت (ظاهراً مریسِیع) بود، شتر جابر را خرید و برای جابر بیست و پنج بار طلب آمرزش کرد.^۷

جابر در جنگ خندق به فعالیت چشمگیر و حیرت‌انگیز سلمان فارسی در کندن خندق اشاره کرده است.^۸ در همین جنگ برای رفع شدت گرسنگی مسلمانان که رسول خدا ﷺ سنگ به شکم خود بسته بود، جابر تنها گوسفند خود را ذبح کرد و به برکت دعای پیامبر ﷺ جمعیت سه‌هزار نفری با آن سیر شدند.^۹ وی از جمله نگهبانان خندق بود. در یک شب چون مشاهده کرد عمرو بن عاص و خالد بن ولید با سواران خود در جستجوی راهی برای عبور هستند به طرف آنان تیراندازی و متفرقشان کردند.^{۱۰} از جمله روایات او در این جنگ گزارش هم‌آوردی

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. همان، ص ۳۹۸-۴۰۰.

۴. ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۴۳۷-۴۳۹.

۵. مفید، الاختصاص، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۶. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۲۳.

۷. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۵۶۵؛ نسائی، سنن، ج ۵، ص ۶۹؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۴.

۸. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۷.

۹. همان، ص ۴۵۲؛ ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۴۲۰.

۱۰. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۶۵.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) با عمرو بن عبدود است^۱ که بنا بر روایت مفید^۲ جابر همراه علی (علیه السلام) به میدان رفت تا شاهد ماجرا باشد. در پایان این روایت جابر نبرد هر دو را به داوود و جالوت تشبیه کرده است که خدا می‌فرماید: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ». ^۳ پس از شکست مشرکان، مسلمانان به دلیل شدت سرما و گرسنگی به خانه‌هایشان بازگشتند؛ اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون خوش نداشت بنی قریظه از این موضوع آگاه شود به جابر دستور داد تا مسلمانان را بازگرداند. جابر گوید: وقتی به دنبال آنان رفتم هرچقدر فریاد زدم کسی اعتنا نکرد تا وارد خانه‌هایشان شدند و چون موضوع را به ایشان خبر دادم آن حضرت خندید. ^۴ پس از شکست بنی قریظه جابر از جمله کسانی بود که مأمور شکستن خم‌های شراب آنان شد. ^۵ در بازگشت از همین غزوه جابر داستان معجزه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام آوردن مرد یهودی را نقل کرده است. ^۶

وی در حدیبیه به همراه هزار و چهارصد نفر از شرکت‌کنندگان در بیعت رضوان حضور داشت. ^۷ این بیعت همچنان که جابر بیان کرده است، بر «عدم فرار» بسته شد. ^۸ در این غزوه شاهد جاری شدن آب از انگشتان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود؛ آنگاه که اصحاب از تشنگی به آن حضرت شکایت کردند. ^۹ باین حال وقتی غنائم خبیر را میان حاضران و غایبان در حدیبیه تقسیم کردند، جابر بن عبدالله را از جمله غایبان نام برده‌اند؛ ^{۱۰} بنابراین ممکن است وی با جابر بن عبدالله بن رئاب که او نیز از طایفه بنو سلمه است، اشتباه شده باشد. جابر در غزوه خبیر بوده و روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گوشت اسب به آنان خوراند؛ ^{۱۱} در حالی که فتح خبیر با کشته شدن مرحب به دست علی (علیه السلام) از جابر نقل شده است؛ ^{۱۲} اما نقل دیگر از او به کشته شدن

۱. بنگرید: همان، ص ۴۷۱.

۲. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۳. بقره: ۲۵۱.

۴. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵. همان، ص ۵۱۰.

۶. بنگرید: خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۴۴-۴۵.

۷. ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۴۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۱، ص ۲۲۲.

۸. احمد بن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۲۹۲.

۹. بخاری، الصحيح، ج ۴، ص ۱۷۰؛ بغوی، معجم الصحابه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ابونعیم، دلائل النبوة، ص ۴۰۶-۴۰۷.

۱۰. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۸۴.

۱۱. همان، ص ۶۶۱ و ۶۶۳.

۱۲. ر.ک: ذهبی، تاریخ الاسلام، عهد الخلفاء، ص ۶۲۶.